

پیشگفتار

بی‌گمان نام شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷.ق) یکی از نخستین نام‌هایی است که از تعبیر «فیلسوفان بزرگ ایران و اسلام» به ذهن‌ها متبادر می‌شود. وی مؤسس و مدوّن حکمت اشراق است. مکتبی که در مواجهه و چالش با مکتب‌های فلسفی مشائی و کلامی و تحت تأثیر حکمت ذوقی و مشرقی ایرانیان قدیم، سقراط و افلاطون، حکمت زرتشتی، حکمت بودایی و هندی، عرفان و تصوف اسلامی و بیش از همه، ذوق سرشار و روح حقیقت‌خواه خود سهروردی بروز و ظهور یافت.

به یقین حکمت متعالیه صدرایی در پیدایش خود، بیش از همه مرهون حکمت اشراقی سهروردی است؛ چه در آن نظریه‌ها و مبانی که مستقیماً از سهروردی برگرفته، و چه در الهامات و بارقه‌هایی که بر اثر مطالعه و سنجش و نقادی این دستگاه فلسفی در نظام‌واره حکمت صدرایی خوش نشسته است.

با اینکه حکمت اشراقی در کنار حکمت مشائی و حکمت متعالیه، یکی از سه مکتب عمده فلسفی مسلمانان است، عوامل بسیاری در طول تاریخ و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، زمینه بی‌توجهی و غفلت از این دستگاه مهم فلسفی شده است.

یکی از عوامل بسیار مهم برای این بی‌توجهی، اجمال، ابهام و دشواری کتاب‌ها و آثار شیخ اشراق است که شرح‌های ارجمنندی، چون شرح شهرزوری و شرح قطب‌الدین شیرازی نیز نتوانسته این معضل را فروگشاید؛ به‌ویژه در عصر حاضر که خواندن چنین آثار کلاسیکی، از عهده کمترکسی برمی‌آید و بیشتر استادان و دانشجویان، حوصله چندانی برای تدقیق و تأمل در فهم چنین نوشته‌هایی ندارند و همین امر زمینه بی‌رغبتی محققان را به حکمت اشراق افزون کرده است.

این مشکل گرچه در خصوص حکمت مشاء و تا حدی حکمت متعالیه نیز صادق است، ولی دوباره‌خوانی و بازنگاری آثار این دو مکتب فلسفی به سبک‌های جدیدتر و رایج بودن

تدریس آنها، تا حد بسیاری از این مشکل کاسته است. متأسفانه درباره حکمت اشراق این مسئله تحقق نیافت.

امروزه اگرچه به همت انجمن حکمت و فلسفه ایران،^۱ بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۶، مجموعه مصنفات شیخ اشراق به تصحیح و تحقیق محقق ارجمند، هنری کرین و دکتر سید حسین نصر، یکجا چاپ شده است، ولی در اقبال به مکتب اشراقی تأثیر چندانی نگذاشته و جز معدود آثاری که از آن زمان تاکنون در باب حکمت اشراق نگاشته شده، دیگران توجه زیادی به احیا و بازخوانی این مکتب فلسفی از خود نشان نداده‌اند.

آثار نوشته شده درباره حکمت اشراق، اگرچه همگی درخور تقدیرند و جا دارد از همه کاونندگان این مکتب سپاسگزاری شود، ولی بیشتر آنها به شرح حال و معرفی بسیار کلی از آثار و افکار سهروردی بسنده کرده‌اند. در میان آثار نوشته شده، چند کتاب نیز به شرح برخی از رساله‌های فلسفی یا عرفانی شیخ اشراق پرداخته‌اند و تنها یک یا دو اثر، مستقلاً و با تفصیل بیشتر آراء و اندیشه‌های سهروردی و نظام اشراقی را تبیین کرده‌اند. اما این آثار هم در عین ارزشمند بودن، به کاستی‌هایی چون کثرت مباحث حاشیه‌ای نامرتبط با حکمت اشراق و بسنده کردن به کتاب *حکمة الاشراق* برای شرح و تبیین دستگاه اشراقی سهروردی و نداشتن دغدغه فروگشایی معضلات متنی مبتلا هستند.

نوشته حاضر

خامه‌های اولیه نوشته حاضر، درس‌های استاد ارجمند، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای یزدان‌پناه است. نگارنده، با همکاری برخی از محققان و زیر نظر خود استاد، براساس آن درس‌ها و با پیاده کردن آنها به تحقیق و نگارش مبانی سهروردی پرداخت و دستگاه فلسفی او را تنظیم و تدوین کرد. در تمام مراحل، استاد یزدان‌پناه با وسواس فراوان نوشته‌ها را با دقت خوانده و حک و اصلاح فراوان کرده است. اکنون با لطف الهی، کل این اثر در دو جلد آماده عرضه است.

جلد نخست این پژوهش، به خاستگاه پیدایش حکمت اشراق، تحلیل کلی از سیر تاریخی این مکتب فلسفی و نیز دیدگاه‌های کلی دیگر سهروردی، که در نظام اشراقی مطرح نمی‌شود، مانند اصالت وجود و ماهیت، تشکیک در ماهیات، تشخیص، معقولات ثانیه،

۱. اکنون این انجمن با ارتقا به مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.

طبیعیات و... می‌پردازد. جلد دوم نیز که کل مباحث نظام نوری و علم اشراقی را فرامی‌گیرد، در واقع نمایاننده نظام‌واره مکتب اشراقی است.

در اثر حاضر، با توجه به احاطه کم‌نظیر استاد یزدان‌پناه به کل دستگاه اشراقی، کوشیده شده کاری نو و در عین حال فراگیر از مبانی و دیدگاه‌های سهروردی به صورت مستند ارائه شود. برخی از ویژگی‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. کوشیده‌ایم کل دستگاه اشراقی را به صورت مفصل و جزء به جزء گزارش و تحلیل کنیم و در موارد بسیاری، افزون بر واکاوی مبانی سهروردی، به سنجش آنها نیز دست زده‌ایم؛

۲. در گزارش از دستگاه اشراقی، صرفاً به کتاب گران‌سنگ حکمت اشراق بسنده نکرده‌ایم؛ زیرا بر اساس شواهد فراوان، بسیاری از دیدگاه‌ها و دست‌کم ریشه‌های نظریه‌های اشراقی سهروردی در آثار دیگر او، مانند مطارحات، تلویحات، مقاومات و... نیز وجود دارد. افزون بر اینکه برای نشان دادن سیر فکری سهروردی و چگونگی رسیدن او به حکمت اشراق، بهره‌گیری از این آثار بسیار مناسب، بلکه ضروری است و در مواردی حل معضلات، ابهامات و غموض موجود در حکمت اشراق، تنها در سایه مراجعه به آثار دیگر سهروردی ممکن است؛

۳. تلاش شده در همه موارد، پس از گزارش، تحلیل و تبیین دیدگاه سهروردی، متون اصلی خود او نیز آورده و ترجمه شود. این کار، هم در مستندسازی گزارش‌ها و تحلیل‌ها کمک می‌کند و هم به فهم و خواندن کتاب‌های سهروردی یاری می‌رساند و زمینه مراجعه مستقیم به آثار او را فراهم می‌سازد؛

۴. برای آنکه سیمای شیخ اشراق به درستی و کامل به خواننده ارائه شود، افزون بر دستگاه اشراقی و مبانی آن، دیدگاه‌های کلان دیگر او را نیز تحلیل و تبیین کرده‌ایم؛

۵. در آغاز جلد نخست، تحلیل تاریخی از سیر پیدایش و خاستگاه‌های حکمت اشراق و نیز شخصیت علمی و رفتاری سهروردی و زمینه‌های فکری او را آورده‌ایم تا خواننده با ریشه‌های این تحول و این مکتب فکری آشنا شود.

و اینک باید سپاسگزاری کنم از تمامی فرهیختگانی که برای به ثمر رسیدن این پژوهش ارجمند، این جانب را یاری رسانده‌اند. پیش و بیش از همه، از خود استاد فرزانه، جناب آقای یزدان‌پناه که در واقع این پژوهش، حاصل سال‌ها تحقیقات ارزنده اوست، سپاسگزارم و

توفیق هر چه بیشتر ایشان را از خداوند حکیم خواستارم. همچنین از استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد احمدی باید تشکر کنم که این اثر را خوانده و پیشنهادهای ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند و نیز از آقایان حبیب الله بابایی (به دلیل کمک در تنظیم اولیه بحث نظام نوری)، علی امینی‌نژاد (به دلیل کمک در تنظیم اولیه بحث طبیعیات و بخشی از مباحث مقدماتی)، محمدرضا فلاح (به جهت تنظیم اولیه مباحث مربوط به تشکیک و تشخیص و نیز بحث نفس و معاد)، علی فضلی (به دلیل کمک در تنظیم اولیه دو بحث اصالت وجود و ماهیت و علم اشراقی)، سید عطا انزلی (به خاطر تنظیم اولیه بخشی از منطق) و آقای شکران (به دلیل کمک در تنظیم اولیه بخشی از مباحث مقدماتی) تشکر می‌کنم و از خداوند بزرگ برای تمامی این عزیزان، سعادت و توفیق روزافزون خواستارم.

بی‌شک اگر پیگیری‌های مجدّدانه جناب دکتر علی شیروانی، مدیر محترم گروه فلسفه و کلام نبود این کار به سرانجام مطلوب خویش نمی‌رسید. از این رو، از این عزیزان نیز کمال تشکر را دارم. همچنین وظیفه خود می‌دانم تا از آقایان عاشوری (کارشناس وقت گروه فلسفه) و قیومی (کارشناس محترم گروه فلسفه علوم انسانی) که در فرآیند اجرایی این پروژه تلاش‌های بسیاری کرده‌اند سپاسگزاری نمایم. در فرجام، از همه دست‌اندرکاران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت به دلیل تدارک مقدمات انجام این تحقیق تشکر می‌کنم.

مهدی علی‌پور

قم، ۱۳۸۸/۱۰/۲۵